

## تاریخ تحریم ایران؛ تحول در آسیب‌پذیری‌ها و ماهیت تحریم‌ها

محسن بیات<sup>۱</sup>

**چکیده:** در تبیین ناکارآمدی سیاسی تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری بعد از سال ۲۰۰۶ علیه ایران، غالباً استدلال می‌شود که سابقه ایران در تحریم و ممنوعیت تجاری بعد از انقلاب اسلامی منجر به کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصاد این کشور در برابر محدودیت‌های اقتصادی شده است و به همین علت تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری جدید ناکارآمد هستند. در این مقاله صحت این استدلال بررسی می‌شود. با تکیه بر آمار اقتصادی نشان داده می‌شود که آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران در سه حوزه وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی، وابستگی به صادرات نفت و واردات برخی مواد پتروشیمی نه تنها کاهش نیافته بلکه در سال‌های اخیر تشدید شده‌اند. از طرف دیگر، با مقایسه تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری قبل و بعد از سال ۲۰۰۶، نتیجه گرفته می‌شود که محدودیت‌های اقتصادی این دو دوره از نظر ماهیتی با هم تفاوت دارند. محدودیت‌های اقتصادی قبل از سال ۲۰۰۶ غالباً نمادین بودند و نمی‌توانستند محرکی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های ایران در برابر تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری جدید که تنبیهی و بازدارنده هستند، باشند. اما تحریم‌های بعد از ۲۰۰۶ اراده ملی در پایه‌گذاری اقتصاد ملی خودکفا را تقویت نموده است.

**واژگان کلیدی:** تحریم، ممنوعیت تجاری، آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران، قانون تحریم ایران، تاریخ تحریم ایران.

۱. آقای محسن بیات، دانش‌آموخته مقطع دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران mohsen.bayat@ut.ac.ir

## مقدمه

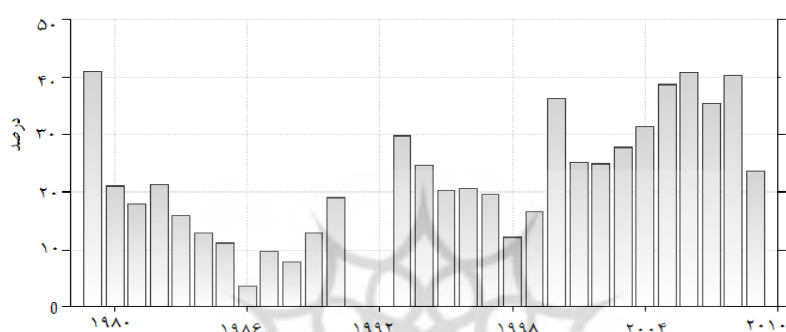
فرضیه‌ای که در مورد ناکارآمدی تحریم و ممنوعیت تجاری علیه ایران رواج پیدا کرده، این است که تجربه طولانی ایران در تحریم شدن و کاهش آسیب‌پذیری این کشور در برابر تحریم و ممنوعیت‌های تجاری آمریکا علت اصلی ناکارآمدی تحریم علیه این کشور است. براساس این فرضیه، چون آمریکا پس از تعطیلی سفارتش در ایران، همواره ایران را مورد ممنوعیت‌های تجاری و تحریم قرار داده است آسیب‌پذیری ایران در برابر این تحریم‌ها و ممنوعیت‌ها کاهش یافته و به همین خاطر تحریم‌ها و ممنوعیت‌های جدید علیه این کشور ناکارآمد هستند. بررسی این فرضیه در درجه نخست به تحقیق در مورد تاریخ تحریم و ممنوعیت تجاری علیه ایران به رهبری آمریکا، شناسایی آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران و تغییر در آن‌ها، تشخیص ماهیت تحریم‌ها و ممنوعیت‌ها علیه ایران و تحول تاریخی آن‌ها نیاز دارد.

## ۱. آسیب‌پذیری‌های اقتصاد سیاسی ایران

سیاست اقتصادی ایران طوری پی‌ریزی شده است که ثبات نظام سیاسی را تضمین کند. سیاست‌های زیر باعث شده منافع کنش‌گران اصلی این اقتصاد به حفظ ثبات سیاسی گره بخورد: ۱. حکومت در ایران تسهیلات ویژه‌ای برای نهادها و بنیادهای وابسته به حکومت در دسترسی به اعتبارات و منابع مالی، یارانه‌ها، واردات و صادرات قائل بوده است؛ ۲. سیاست‌هایی مانند قائل شدن یارانه برای کالاهایی مانند نفت، گاز، بنزین و برخی کالاهای اساسی دیگر؛ ۳. تأکید بر پروژه‌های مشترک اقتصادی بزرگ با متحدان خارجی با هدف تقویت پیوندهای سیاسی بین‌المللی (Cohen et. al, 2011: 6-7). اصول اقتصاد ایران و سیاست‌های حکومتی به همراه وجود ثروت نفت و گاز و تقاضای روز افزون داخلی برای مصرف باعث شده است که این اقتصاد آسیب‌پذیری‌های زیر را داشته باشد:

۱. وابستگی به صادرات نفت: ثبات اقتصادی و سیاسی ایران وابسته به فروش مستمر نفت و گاز است. آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از طریق وابستگی به صادرات نفت و گاز و تداوم آن را براساس بررسی دو شاخص زیر می‌توان مشخص کرد: نسبت صادرات نفت و گاز به کل صادرات و نسبت صادرات نفت و گاز به تولید ناخالص داخلی. براساس معیارهای بانک جهانی، کشورهایی که بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۴۰ درصد صادراتشان مرتبط با مواد معدنی باشد، کشوری وابسته به صادرات این مواد خوانده می‌شوند (Cohen et. al, 2011: 6). براساس شکل ۱، می‌توان دریافت که صادرات نفت ایران تا قبل از سال ۲۰۱۰، سال آغاز ممنوعیت‌های تجاری علیه تولید

و صادرات نفت و گاز ایران، حدود ۴۰ درصد و صادرات گاز حدود ۱۳ درصد (شکل ۲) کل صادرات ایران را شامل می‌شد. بنابراین می‌توان با توجه به این آمار دریافت که تا زمان آغاز ممنوعیت‌ها علیه صنعت نفت و گاز ایران، این کشور هنوز به شدت وابسته به صادرات این مواد بوده و در نتیجه هنوز اقتصاد این کشور از این لحاظ آسیب‌پذیر بوده است.



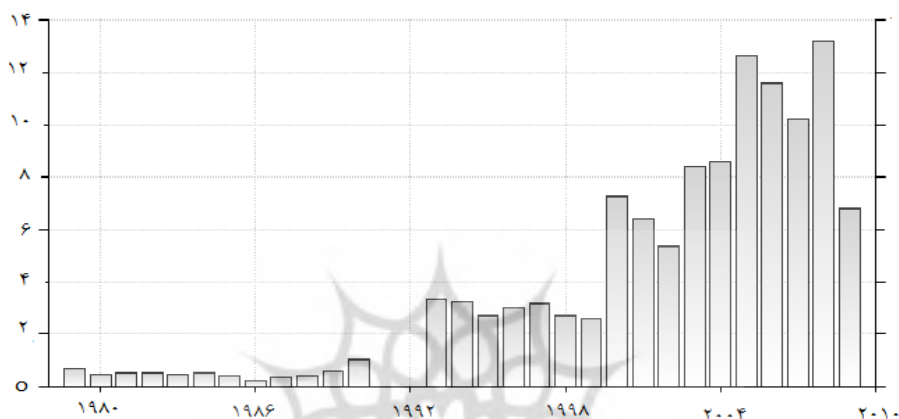
شکل ۱. نسبت صادرات نفت ایران به تولید ناخالص داخلی کشور از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰

<http://www.tradingeconomics.com/iran/oil-rents-percent-of-gdpwbdata.html>

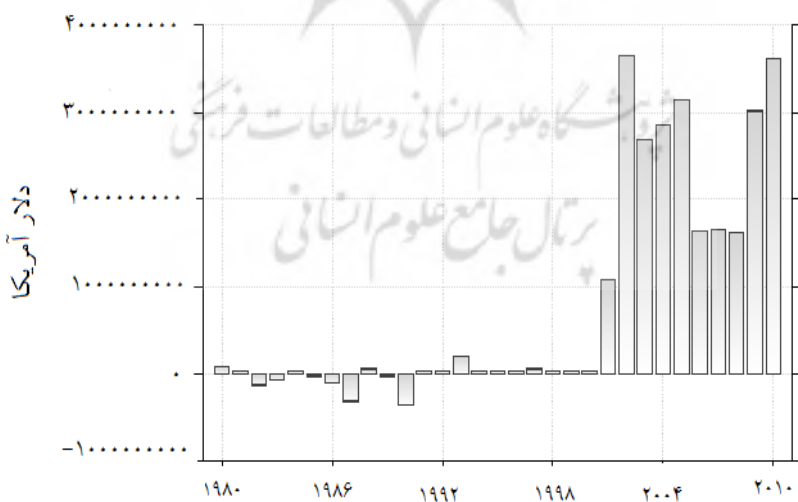
۲. وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه انرژی: وابستگی ایران به سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها در سال‌های قبل از اعمال ممنوعیت‌های آمریکا علیه سرمایه‌گذاری در این کشور کم نشده، بلکه به‌ویژه در حوزه توسعه میدان‌های نفتی و گازی بیشتر شده است (Ebel, 2010: 41-42). ممنوعیت‌های تجاری آمریکا از سال ۱۹۹۵ به بعد بر کاهش سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران تمرکز پیدا کردند. در این سال، دولت "هاشمی رفسنجانی" تلاش کرد تا از "بیع متقابل" به عنوان روشی برای جذب سرمایه خارجی در صنایع نفت و گاز ایران استفاده کند و درهای بخش انرژی را به روی سرمایه‌گذاران خارجی باز کرد (Brexendorff and Ule, 2004: 24-25). بنابراین، همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد ایران در سال‌های قبل از آغاز و اعمال جدی ممنوعیت‌ها علیه سرمایه‌گذاری خارجی، نه تنها آسیب‌پذیری خود را در این حوزه کم نکرده است بلکه به آن دامن زده است.

۱. در این نوع قرارداد، شرکت سرمایه‌گذار خارجی کلیه هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نصب تجهیزات و راه‌اندازی و انتقال تکنولوژی را برعهده می‌گیرد و پس از راه‌اندازی، به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه و همچنین سود سرمایه از طریق فروش محصول همان پروژه به دست می‌آید.

۳. وابستگی به واردات مواد پتروشیمی: با وجود این که ایران دارای منابع غنی نفت است اما یکی از آسیب‌پذیری‌های مهم این کشور در زمینه اقتصاد، وابستگی به واردات مواد پتروشیمی به ویژه بنزین است.

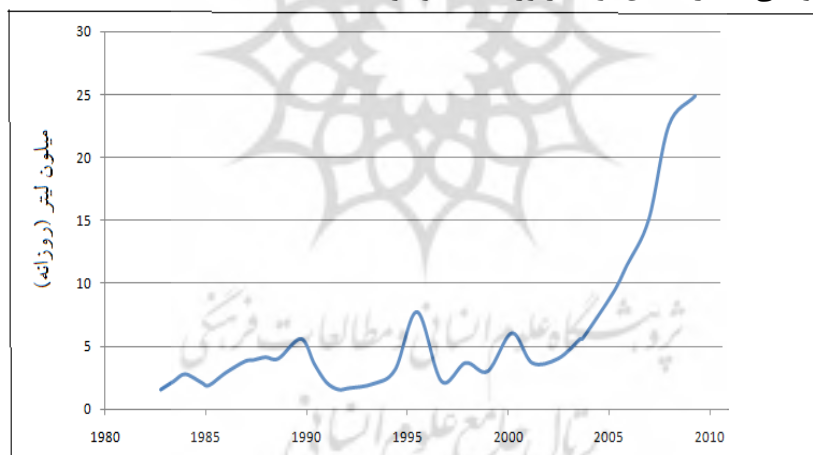


شکل ۲. نسبت صادرات گاز ایران به تولید ناخالص داخلی کشور از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰  
<http://www.tradingeconomics.com/iran/natural-gas-rents-percent-of-gdp-wb-data.html>



شکل ۳. سرمايه‌گذاري خارجي در حوزه نفت و گاز ایران از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰  
<http://www.tradingeconomics.com/iran/foreign-direct-investment-net-inflows-percent-of-gdp-wb-data.html>

نبود تکنولوژی و سرمایه برای توسعه صنایع پتروشیمی در ایران و بالا بودن مصرف داخلی منجر به تداوم وابستگی ایران به واردات مواد پتروشیمی به ویژه بنزین شده بود. ایران در سال ۲۰۰۹ روزانه حدود ۱۳۰ هزار بشکه بنزین وارد می‌کرد که این مقدار ۸۰ درصد کل واردات این کشور را شکل می‌داد. در شش ماه نخست سال ۲۰۰۹، این کشور توانایی پالایش ۴۰ میلیون لیتر بنزین را داشته است در حالی که در همین مدت روزانه به طور متوسط ۲۴ میلیون لیتر بنزین وارد کرده است (Oil & Gas Directory, 2011: 1069). شکل ۴ نشان می‌دهد که این وابستگی نه تنها در سال‌های قبل از آغاز دوره جدید تحریم و ممنوعیت علیه ایران کاهش نداشته است بلکه بیشتر شده بود و به همین دلیل دشمنان جمهوری اسلامی ایران ترغیب شدند صادرات بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی به ایران را تحریم نمایند و بر این تصور بودند که نقطه آسیب‌پذیر حساسی را هدف قرار داده‌اند. خوشبختانه با تدابیر درستی که به کار بسته شد، ظرفیت‌های ملی در این حوزه به سرعت توسعه یافت و اکنون علاوه بر تأمین نیاز داخلی، توانایی صادرات این‌گونه فرآورده‌ها به وجود آمده است.



شکل ۴. میزان واردات بنزین ایران از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۰  
Centre for Global Energy Studies (CGES)

## ۲. تاریخ تحریم ایران

تحریم و ممنوعیت تجاری علیه ایران از سوی کشورهای غربی سابقه طولانی دارد. نخستین ممنوعیت تجاری در دوران معاصر توسط بریتانیا علیه ایران در دوره ملی شدن صنعت نفت در زمان دولت "دکتر محمد مصدق"، نخست وزیر وقت ایران صورت گرفت (McMurdo, 2012: 16-17). پس از وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) ایران

همواره مورد ممنوعیت‌های تجاری بوده است. تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری پس از انقلاب را می‌توان به طور خلاصه به مراحل زیر تقسیم کرد:

## ۲-۱. دوره ۱۹۸۱ - ۱۹۷۹

تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و به گروگان گرفتن کارکنان آن سفارت در سال ۱۹۷۹، منجر به اعمال ممنوعیت‌های تجاری توسط آمریکا علیه ایران و موجب قطع روابط ایران و آمریکا شد. جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا در ۱۲ نوامبر سال ۱۹۷۹، با امضا فرمان ۴۷۰۲، واردات نفت ایران به آمریکا را منع کرد. در ۱۴ نوامبر همان سال با امضا فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰، با استناد به قانون مربوط به اختیارات اقتصادی رئیس‌جمهوری در وضعیت‌های اضطراری<sup>۱</sup>، تمامی دارایی‌های متعلق به بانک مرکزی و حکومت ایران را در آمریکا که بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار می‌شد، مسدود کرد (Executive Order 12170: 1979). کارتر در ۷ آوریل ۱۹۸۰، فرمان اجرایی ۱۲۲۰۵، را امضا کرد که بر اساس آن هر نوع صادرات از آمریکا به ایران غیرقانونی و ممنوعیت‌هایی بر مبادلات مالی با ایران اعمال شد (Executive Order 12205: 1980). همچنین وی با امضای فرمان ۱۲۲۱۱، در ۱۷ آوریل سال ۱۹۸۰ محدودیت‌هایی بیشتری بر تجارت با ایران از جمله لغو قراردادهای جاری آمریکا با شرکت هواپیمایی ایران، شرکت ملی نفت و شرکت گاز ایران، اعمال کرد. بر مبنای این فرمان، هر نوع واردات از ایران و مسافرت اتباع آمریکایی به این کشور و معاملات مالی و تجاری آن‌ها با ایران غیرقانونی اعلام شد (Executive Order 12211: 1980).

پس از امضای قرارداد الجزایر، بخش مهمی از این ممنوعیت‌ها توسط آمریکا لغو شد. کارتر با امضای فرمان ۱۲۲۸۲، در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، فرمان‌های ۱۲۲۱۱ و ۱۲۲۰۵ خود را لغو کرد، اما فرمان ۱۲۱۷۰ لغو نشد. با این حال ۹ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران که در بانک‌های آمریکایی مسدود شده بودند، رفع انسداد شدند (Executive Order 12282: 1981).

## ۲-۲. دوره ۱۹۸۸ - ۱۹۸۱

در طول دهه ۱۹۸۰ هم ایران هدف ممنوعیت‌های تجاری از سوی آمریکا قرار گرفت. آمریکا نگران افزایش نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی ایران در کشورهای خاورمیانه بود. تجاوز اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان و ظهور جنبش مقاومت "حزب الله" به این

1. The International Emergency Economic Powers Act

نگرانی دامن زد. وزارت خارجه آمریکا در آن زمان ایران را حامی تروریسم بین‌المللی معرفی کرد و این کشور را هدف ممنوعیت‌های تجاری جدیدی قرار داد (Katzman, 2012: 50-52). این ممنوعیت بر تجارت اسلحه به ایران متمرکز بود. در تاریخ ۲۰ ژانویه سال ۱۹۸۴، ایران هدف طرحی<sup>۱</sup> از سوی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت. دو علت برای این طرح از سوی واشنگتن بیان شد؛ یکی حمایت ایران از تروریسم و دوم بی‌میلی به صلح با عراق. براساس این طرح، وزارت خارجه آمریکا از ژانویه ۱۹۸۴ تا ژانویه ۱۹۸۷ تلاش کرد متحدان خود را از فروش تسلیحات به ایران منع کند. اما گزارش‌های متعددی از نقض این طرح حتی توسط خود آمریکا در این دوره منتشر شد. به گروگان گرفته شدن سه آمریکایی در لبنان و تأثیری که تهران می‌توانست در آزادی آن‌ها داشته باشد و از طرف دیگر نیازهای تسلیحاتی ایران در جنگ با عراق منجر به مذاکراتی بین نمایندگان دو کشور شد (Hamilton and Inouye, 1987: 159-160). همچنین، در ۲۷ آگوست سال ۱۹۸۶، بخش مهمی به قانون کنترل صادرات سلاح آمریکا<sup>۲</sup> اضافه شد که براساس آن فروش سلاح به کشورهایی که توسط وزارت خارجه حامی تروریسم بین‌المللی بودند، ممنوع شد. مهم‌ترین هدف این بخش الحاقی، تهران بود. وقوع درگیری‌های پراکنده نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس در دوره جنگ ایران-عراق و تداوم بحران گروگان‌گیری در لبنان منجر به صدور فرمان اجرایی ۱۲۶۱۳ توسط رونالد ریگان، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا شد. براساس این فرمان، واردات کالاها و خدمات ایرانی به ایالات متحده به‌لحاظ "حمایت فعال ایران از تروریسم به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی" و "اقدام نظامی غیرقانونی علیه کشتی‌های آمریکایی و کشتی‌های متعلق به کشورهای بی‌طرف"، ممنوع اعلام شد. این فرمان شامل منع واردات مستقیم نفت خام از ایران هم می‌شد اما شامل واردات نفت پالایش شده ایران در کشورهای دیگر نمی‌شد (Executive Order 12613: 1987).

## ۲-۳. دوره ۱۹۹۲ - ۱۹۸۹

مهم‌ترین ممنوعیت تجاری آمریکا علیه ایران در این دوره، "قانون منع گسترش تسلیحات ایران-عراق"<sup>۳</sup> بود که در ۲۳ اکتبر سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید. این قانون صادرات تکنولوژی موشکی، فروش تسلیحات توسط دولت و شرکت‌های تجاری، فروش مواد و تجهیزات دارای کاربرد دوگانه نظامی و غیرنظامی و فروش مواد، تجهیزات و

1. Operation Staunch
2. U.S. Arms Export Control Act
3. Iran-Iraq Arms Non-Proliferation Act

تکنولوژی هسته‌ای به ایران و عراق را ممنوع کرد. هدف از این قانون این بود که اطمینان حاصل شود اگر دخالت نظامی آمریکا در خلیج فارس ضروری شد، نیروهای این کشور با سلاح‌های پیشرفته ایران و یا عراق روبه‌رو نشوند. این قانون از این جهت برجسته بود که تحریم ثانوی علیه کنش‌گرهای دیگر را در بر داشت؛ یعنی اگر شرکت یا کشوری موارد منع شده در این قانون را به ایران یا عراق صادر می‌کرد، آمریکا بر اساس این قانون آن کشور یا شرکت را مورد مجازات اقتصادی قرار می‌داد (Alikhani, 2000: 171).

#### ۲-۴. دوره ۲۰۰۵ - ۱۹۹۵

وقوع بمب‌گذاری‌های متعدد در اسرائیل در سال ۱۹۹۴ توسط اعضای جنبش حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین و تشدید شدن آن‌ها در سال ۱۹۹۵، منجر به افزایش فعالیت لابی‌های رژیم صهیونیستی در آمریکا برای فشار بیشتر واشنگتن بر تهران از طریق اعمال ممنوعیت‌های تجاری شد. لابی‌های رژیم صهیونیستی برای نشان دادن ضرورت فشار اقتصادی بر ایران بر سه محور زیر تأکید داشتند: مخالفت ایران با روند صلح (سازش) خاورمیانه، حمایت ایران از گروه‌های شبه‌نظامی و برنامه ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی (Kemp, 1994: 107-108). این هدف توسط گروه‌های ذی‌نفوذ اسرائیلی در آمریکا دنبال می‌شد؛ "کمیته روابط عمومی اسرائیلی-آمریکایی"، مشهور به آی‌پک از مهم‌ترین این گروه‌ها بود. این گروه که در سال ۱۹۹۷ به عنوان دومین گروه لابی پرنفوذ در آمریکا شناخته می‌شد، شیوه‌های متفاوتی برای آغاز موج جدیدی از فشار اقتصادی و تشدید آن‌ها علیه ایران در پیش گرفت (Fayazmanesh, 2003, 227-8). همزمان با این تلاش‌ها، در فوریه سال ۱۹۹۵ دولت روسیه اعلام کرد که با امضای قراردادی برای تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر موافقت کرده است. این تحولات و تحریکات در نهایت منجر به صدور فرمان ۱۲۹۵۷ توسط کلینتون در ۱۵ مارس ۱۹۹۵، شد. براساس این فرمان، تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور، از جمله معامله نفت ایران در خارج به وسیله شرکت‌های آمریکایی و شرکت‌های خارجی وابسته به آن‌ها و مشارکت در توسعه پروژه‌های نفتی ایران ممنوع اعلام شد (Executive Order 12957:1995).

همچنین کلینتون فرمان ۱۲۹۵۹ را در ۶ می ۱۹۹۵ صادر کرد که براساس آن هرگونه معامله شرکت‌های دولتی، خصوصی و اشخاص آمریکایی با ایران ممنوع اعلام



شد. براساس این دستور، سرمایه‌گذاری در ایران یا پروژه‌های مربوط به این کشور در خارج از ایران هم ممنوع اعلام شد. این ممنوعیت‌ها در حالی به امضا رسیدند که کلینتون قصد داشت از اجرای طرحی به نام "قانون جامع تحریم ایران" اجتناب کند. این طرح که توسط "آلفونس داماتو"، سناتور جمهوری‌خواه آمریکا و نزدیک به آی‌پک در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵، به کنگره ارائه شد حوزه وسیع‌تری را در بر می‌گرفت و نه تنها شامل ممنوعیت کامل تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ایرانی می‌شد بلکه اعمال ممنوعیت معاملات اقتصادی علیه شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در ایران را نیز شامل می‌شد.

اجرای کردن این طرح در شکل اولیه که توسط داماتو مطرح شده بود می‌توانست واکنش متحدان آمریکا به‌ویژه کشورهای اروپایی و ژاپن را در بر داشته باشد. به همین خاطر کلینتون تلاش کرد که با صدور این فرمان‌ها در درجه نخست واکنشی نمادین نشان دهد و در درجه دوم مانع اعمال مجازات بر شرکت‌های خارجی و در نهایت واکنش متحدانش باشد (Purdum, 1995).

با این حال، داماتو و لابی‌های اسرائیلی موفق شدند در ۲۴ جولای سال ۱۹۹۶، قانون مشهور به "قانون تحریم ایران و لیبی" را به تصویب کنگره برسانند. بر اساس این قانون که در پنج آگوست همان سال به امضای رئیس‌جمهوری رسید، هر شرکت خارجی که در سال بیش از ۲۰ میلیون دلار در پروژه‌های مربوط به منابع نفتی ایران سرمایه‌گذاری کند هدف دو مورد از شش مجازات زیر توسط آمریکا قرار می‌گیرد:

۱. ممنوعیت کمک مالی از طرف بانک صادرات و واردات آمریکا؛
۲. ممنوعیت صدور مجوز برای صادرات کالاهای نظامی یا دارای کاربرد نظامی توسط شرکت تخلف‌کننده؛
۳. ممنوعیت مشارکت مستقیم به‌عنوان کارگزار در اعطای اوراق قرضه دولت آمریکا؛
۴. ممنوعیت اعطای وام بالغ بر ۱۰ میلیون دلار در یک دوره ۱۲ ماهه از طرف نهادهای مالی آمریکا؛
۵. اعمال ممنوعیت بر واردات از شرکت تخلف‌کننده؛
۶. ممنوعیت اقدام به عنوان پیمانکار دولت آمریکا یا ممنوعیت مشارکت در فرصت‌های مربوط به مناقصه‌های دولت آمریکا (Katzman, 2001: 3).

این قانون ممنوعیت تجارت با ایران به خاطر این که شامل مجازات شرکت‌های خارجی می‌شد، مهم‌ترین قانون ممنوعیت تجاری با ایران تا سال ۱۹۹۶ تلقی می‌شد. کلینتون پس از امضای این قانون، فرمانی دیگر را در ۱۹ آگوست ۱۹۹۷ امضا کرد که در آن ضمن تأکید بر ممنوعیت‌های دو فرمان قبلی خود، صدور هر نوع کالا، خدمات و تکنولوژی توسط اشخاص آمریکایی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ایران را ممنوع اعلام کرد. در این فرمان تأکید شده که اشخاص آمریکایی شامل شهروندان این کشور،

خارجی‌های دارای اقامت دائم و هر موجودیتی که تحت قانون این کشور شکل گرفته است، می‌شود (Executive Order 13059: 1997).

## ۲-۵. دوره ۲۰۰۵ تا اکتبر ۲۰۱۲

دوره پنجم تحریم و ممنوعیت‌های قانونی علیه ایران بر برنامه هسته‌ای متمرکز بوده است. ممنوعیت‌های تجاری آمریکا در این دوره با امضای فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ توسط جورج دبیلو بوش، رئیس جمهوری وقت آمریکا آغاز شد. براساس این فرمان، دولت آمریکا می‌تواند دارایی‌های افراد و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای و برنامه موشکی ایران را مسدود کند (Executive Order 13382: 2005). براساس همین فرمان، وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۲۷ اکتبر سال ۲۰۰۷، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را جزو این نهادها اعلام و این نهاد و نه شرکت و پنج شخص را که وابسته به این نهاد معرفی کرده بود، هدف این فرمان قرار داد (Treasury Press Release, October 25, 2007). همچنین در ۱۰ فوریه سال ۲۰۱۰، این وزارتخانه بر اساس همان فرمان، رستم قاسمی را به عنوان فرمانده سپاه پاسداران و قرارگاه خاتم‌الانبیاء، بخش مهندسی سپاه، و چهار شرکت فرعی این قرارگاه را هدف ممنوعیت‌های اعلام شده قرار داد (Treasury Press Release, February 10, 2010).

همچنین، بر طبق این فرمان، وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۹ ژانویه ۲۰۰۷، "بانک سپه" ایران و در ۲۵ اکتبر همان سال بانک‌های ملت و ملی را جزو فهرست نهادهای مورد تحریم قرار داد (Treasury Press Release: January 9 and October 25, 2007). در ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۸ هم بانک توسعه صادرات ایران و سه نهاد وابسته به آن مورد مجازات‌های تعیین‌شده در فرمان مذکور قرار گرفت (Treasury Press Release: 22 October, 2008). در ۵ نوامبر سال ۲۰۰۹، وزارت خزانه‌داری آمریکا نخستین بانک صادرات شرق در مالزی را به‌لحاظ این که تشخیص داد شاخه‌ای از بانک ملت است، مورد مجازات قرار داد (Treasury Press Release: 5 November, 2009). همچنین، واشنگتن در نوامبر سال ۲۰۰۸، برای ممنوعیت بیشتر ایران در دسترسی به نظام مالی آمریکا، مجوز نقل و انتقالات مالی برگشت‌پذیر<sup>۱</sup> را برای ایران ممنوع کرد. بدین معنا که هر نوع انتقال‌های مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به حکومت ایران و نهادهای آن و یا اشخاص ایرانی سود برساند، در نظام بانکی آمریکا ممنوع شد (Treasury Press Release. November 6, 2008).

1. U-turn

در ۲۴ ژوئن سال ۲۰۱۰، کنگره آمریکا "قانون جامع تحریم ایران"<sup>۱</sup> را تصویب کرد. این قانون به عنوان اصلاحیه قانون تحریم ایران (۱۹۹۶) به تصویب رسید. این قانون در یک جولای به امضا اوباما رسید. این قانون با تأکید بر ممنوعیت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی ایران که در قانون تحریم ایران مطرح شده بود، به رئیس‌جمهوری اختیار اعمال مجازات‌های اقتصادی را بر شرکت‌ها و اشخاصی داد که هر نوع کالا، تجهیزات و خدمات، اطلاعات و یا حمایت را به هر شیوه‌ای در اختیار ایران قرار دهند که به این کشور در حفظ یا توسعه منابع تولید نفت و یا پالایش آن کمک کند. همچنین طبق این قانون، شرکت‌ها و اشخاصی که به هر شکلی از جمله ارائه بیمه، حمل و نقل و یا تامین مالی، به ایران در واردات مواد پتروشیمی و یا بهره‌برداری از منابع نفتی خود کمک کنند، مورد مجازات‌های اقتصادی آمریکا قرار می‌گیرند. علاوه بر این، مجازات‌های جدید برای افراد و نهادهایی که مبادلات و خدمات مالی برای ایران انجام می‌دهند نیز در این قانون مطرح شده است (House of Representatives, Bill (2010: 2194).

پس از این قانون، بارک اوباما فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳ را در سپتامبر ۲۰۱۰ امضا کرد که بر مبنای آن هشت تن از مقامات نظامی و سیاسی ایران به اتهام نقض حقوق بشر هدف ممنوعیت‌های اقتصادی گسترده قرار گرفتند و هر فرد یا شرکتی که با آنها معامله تجاری و مالی داشته باشد مورد مجازات‌های اقتصادی آمریکا قرار می‌گیرد (Executive Order 13553: 2010). وی همچنین با صدور فرمان ۱۳۵۷۴ در ۲۳ می ۲۰۱۱، ممنوعیت‌های بیشتری برای نهادهای مندرج در قانون تحریم ایران سال ۱۹۹۶ اعلام کرد (Executive Order, 13574: 2011). اوباما سپس با صدور فرمان ۱۳۵۹۰ در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ به عنوان متمم قانون تحریم ایران، اختیارات بی‌سابقه‌ای برای اعمال ممنوعیت تجاری و اقتصادی علیه اشخاصی که در بخش‌های انرژی و پتروشیمی ایران فعال هستند به وزارت خارجه آمریکا داد (Executive Order 13590: 2011). همچنین واشنگتن در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ بر مبنای ماده ۱۲۴۵ قانون دفاع ملی، بانک مرکزی ایران را مورد ممنوعیت‌های ویژه قرار داد. اوباما همچنین با صدور فرمان ۱۳۵۹۹ در ۶ فوریه ۲۰۱۲، دارایی‌های حکومت ایران و تمامی نهادهای مالی ایرانیان را مسدود کرد (Executive Order 13599: 2011) و در روز نخست ماه می همان سال، با صدور فرمان ۱۳۶۰۸ به وزارت خزانهداری آمریکا اختیاراتی برای اعمال مجازات علیه اشخاص خارجی که ممنوعیت‌های قانونی علیه ایران را نقض کنند، داد (Executive Order

1. The Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act

(13608, 2011). همچنین در ۲۱ می ۲۰۱۲، مجلس سنای آمریکا قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن هر شرکتی در هر جای دنیا در پروژه‌های مشترک مربوط به انرژی که یک طرف آن ایران باشد، شرکت کند، مورد مجازات‌های اقتصادی قرار گیرد. بر اساس این قانون، شرکت‌های مشارکت کننده در پروژه‌های کشف، تولید و انتقال اورانیوم مربوط به ایران و نهادها و مقام‌های سپاه پاسداران و خدمات حمل و نقل مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی نیز شامل مجازات می‌شوند (U.S Senate, Act S2334: 2012).

همچنین، رئیس‌جمهوری آمریکا در ۳ جولای ۲۰۱۲ فرمان اجرایی ۱۳۶۲۲ را صادر کرد. بر اساس این فرمان ممنوعیت‌هایی به موارد مطرح شده در قانون تحریم ایران اضافه شد. طبق این فرمان، شرکت‌هایی که رئیس‌جمهوری آمریکا تشخیص بدهد یکی از اقدامات زیر را انجام داده‌اند، مورد مجازات‌های اقتصادی در قانون تحریم ایران قرار می‌گیرند: ۱. خرید نفت یا فرآورده‌های نفتی از ایران؛ ۲. تجارت با شرکت ملی نفت ایران یا شرکت نفتیران؛<sup>۱</sup> ۳. خرید فرآورده‌های پتروشیمی از ایران (Executive Order. 1362: 2012)

قانون "گاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه"<sup>۲</sup> که در تاریخ ۱۰ آگوست ۲۰۱۲ به امضا رسید، به عنوان متمم، چندین ممنوعیت جدید را به قانون تحریم ایران اضافه کرد. بر اساس این قانون هر شخص حقوقی و حقیقی که مشمول یکی از موارد زیر شود، هدف مجازات‌های اقتصادی آمریکا قرار می‌گیرد: ۱. مالکیت شناوری که برای حمل و نقل نفت خام ایران به کار می‌رود؛ ۲. مشارکت در پروژه‌های توسعه گاز و نفت با ایران در داخل و خارج ایران، اگر مشارکت در این پروژه بعد از یکم ژانویه سال ۲۰۰۲ آغاز شده باشد؛ ۳. مشارکت در اقدامات مربوط به اکتشاف، تولید و انتقال اورانیوم به ایران؛ ۴. خرید یا کمک به صدور اوراق قرضه مربوط به حکومت ایران؛ ۵. فروش تجهیزات صنعتی مربوط به حوزه انرژی از جمله تجهیزات مربوط به پتروشیمی (House of Representatives, Bill 1905:2012).

در طول این دوره ایران علاوه بر تحریم‌های آمریکا، مورد تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر نیز بوده است. شورای امنیت سازمان ملل در چهار دوره مختلف یعنی دسامبر ۲۰۰۶، مارس ۲۰۰۷، مارس ۲۰۰۸ و ژوئن ۲۰۱۰ در مورد تحریم ایران قطعنامه صادر کرد.

۱. Naftiran Intertrade Company (NICO)، شرکت نفت ایران، شرکتی ایرانی- سوئیسی است که واردکننده اصلی بنزین و گازوئیل به ایران است و نقشی کلیدی در بخش انرژی ایران داشته است.

نخستین دور تحریم‌های شورای امنیت هدفش مواد حساس هسته‌ای و دارایی‌های افراد و شرکت‌های مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ در ۳۱ جولای ۲۰۰۶، به ایران ۶۰ روز مهلت داد که برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند و گرنه با تحریم‌های این شورا در موارد بالا روبه‌رو می‌شود (Resolution 1696: 2006). پس از پایان این مهلت و عدم توقف غنی‌سازی، شورای امنیت در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۳۷ را تصویب کرد. این قطعنامه که نخستین قطعنامه تحریم علیه ایران بود، همه اعضای سازمان ملل را ملزم کرد که از عرضه، فروش یا انتقال هرگونه مواد و تجهیزات مربوط به انرژی هسته‌ای به ایران خودداری کنند. همچنین، بر اساس این قطعنامه اعضا ملزم به توقیف دارایی ۲۲ شرکت و فرد مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران شدند (Resolution 1737: 2006).

شورای امنیت در ۲۴ مارس سال ۲۰۰۷، با قطعنامه ۱۷۴۷ دومین دور تحریم‌ها را علیه ایران آغاز کرد. این تحریم‌ها بیشتر شامل تحریم‌های تسلیحاتی و مالی بود. بر مبنای این قطعنامه، دارایی‌های ۲۸ شرکت و اشخاص حقیقی دیگر از جمله بانک سپه و سپاه پاسداران که با برنامه هسته‌ای ایران و موشک‌های بالستیک مرتبط بودند، ضبط شد. این قطعنامه اعضای سازمان ملل را از خرید جنگ افزارهای تهاجمی از ایران منع می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست برای فروش چنین تجهیزاتی به ایران "هوشیار و خویشتندار" باشند. همچنین، از اعضا و مؤسسات مالی جهان خواسته شد از هرگونه تعهد مالی جدید با ایران، به جز برای موارد بشردوستانه یا توسعه انسانی، پرهیز کنند. در این قطعنامه، اسامی ۱۸ شرکت، فرد و بانک مرتبط با پرونده هسته‌ای و برنامه موشکی ایران به فهرست تحریم‌ها اضافه شد (Resolution 1747: 2007).

شورای امنیت در ۳ مارس ۲۰۰۸، قطعنامه ۱۸۰۳ را تصویب کرد که بر ایجاد محدودیت‌های مالی و سفر برای برخی افراد و شرکت‌های ایرانی متمرکز بود. بر اساس این قطعنامه، ۱۳ فرد و ۱۲ شرکت مظنون به همکاری با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. شورای امنیت در این قطعنامه از اعضای سازمان ملل خواست که هنگام ارائه ضمانت نامه، اعتبارنامه یا بیمه نامه برای شرکت‌های ایران هوشیار باشند. درخواست شد فعالیت کشورهای عضو سازمان ملل با بانک‌های ایرانی فعال در خاکشان داوطلبانه محدود شود. همچنین شورای امنیت در این قطعنامه اعضا را مکلف کرد که همکاری خود با بانک‌های ملی و صادرات را به دلیل آنچه تسهیل مالی برنامه اتمی و موشکی ایران و سازمان‌های تروریستی منطقه خوانده می‌شد، قطع کنند. این قطعنامه به اعضا اجازه می‌داد در صورت داشتن دلیلی معقول محموله‌های هوایی و دریایی را که مقصد یا مبدأ آن‌ها ایران بوده، بازرسی کنند (Resolution 1803: 2008).

دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ آغاز شد. این قطعنامه که در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ تصویب شد، همه بانک‌های ایرانی در خارج را که مرتبط با برنامه هسته‌ای یا موشکی ایران بودند، هدف قرار داد. به علاوه همه معاملات افراد و شرکت‌ها با بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی ایران، تحت نظر قرار گرفت. با تصویب این قطعنامه ۷۵ سازمان، شرکت یا مؤسسه و ۴۱ فرد ایرانی مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران مشمول تحریم‌های شورای امنیت شدند. شورای امنیت در این قطعنامه از اعضای سازمان ملل خواست که مانع از انتقال فناوری موشکی به ایران شوند. همچنین فروش مواد و تجهیزات اتمی به ایران ممنوع شد. این قطعنامه به طور مشخص بر سپاه پاسداران و شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی تمرکز داشت. این قطعنامه از اعضای سازمان ملل خواست که اجازه ندهند شعبه‌های جدید بانک‌های ایرانی در سرزمینشان تأسیس شود یا بانک‌ها و مؤسسات مالی فعال در خاکشان با ایران معامله کنند. دور جدید تحریم‌ها، همچنین شامل تحریم اسلحه و قرار دادن سه شرکت تحت کنترل خطوط کشتی‌رانی جمهوری اسلامی و ۱۵ مؤسسه متعلق به سپاه پاسداران در فهرست سیاه بود. این قطعنامه بازرسی محموله‌های ایرانی را همانند محموله‌های کره‌شمالی، توصیه کرد. فهرست چهار شرکت دیگر نیز به فهرست شرکت‌های تحریم‌شده سازمان ملل افزوده شد (Resolution 1929: 2010).

همگام با تحریم‌های آمریکا و شورای امنیت، اتحادیه اروپا و انگلیس به طور خاص ممنوعیت‌هایی علیه ایران به تصویب و اجرا گذاشتند. در ۱۹ آوریل ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا پس از تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ در شورای امنیت، همکاری با ایران برای صادرات و واردات تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم و ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای را برای اعضا ممنوع کرد و شماری از افراد و شرکت‌های ایرانی دخیل در برنامه هسته‌ای و موشکی را مشمول توقیف دارایی و منع سفر به اتحادیه اروپا کرد.

اتحادیه اروپا، اعلام کرد که از صدور روادید برای برخی از مقامات دولتی ایران از جمله "محمدعلی جعفری"، فرمانده سپاه پاسداران، "مصطفی محمد نجار"، وزیر دفاع سابق ایران و "غلامرضا آقازاده"، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی و برخی متخصصان هسته‌ای و موشک‌های بالستیک، خودداری می‌کند (Regulation No. 423:19 April 2007).

در نوامبر ۲۰۰۹ چند مقام ایرانی دیگر از جمله "علی‌اکبر صالحی"، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران از سفر به کشورهای عضو اتحادیه اروپا منع شدند (Regulation No. 1100: 17 November 2009). در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، اتحادیه اروپا، قوانین جدیدی را در زمینه ممنوعیت پرواز هواپیماهای باری به ایران یا از ایران تصویب

کرد. بر این اساس تنها بارهای محدودی به وسیله هواپیماهای مسافری جابجا خواهد شد (EU Council Decision: 26 July 2010).

اتحادیه اروپا ۳۲ مقام امنیتی و قضایی دیگر ایران را به اتهام نقض حقوق بشر مشمول مجازات‌های خود کرد. در ۲۳ می ۲۰۱۱، وزرای خارجه اتحادیه اروپا، دامنه تحریم‌های ایران را گسترش دادند و توافق کردند که نام بیش از ۱۰۰ شرکت و فرد را به فهرست شرکت‌ها و افراد مورد تحریم اضافه کنند. شرکت "سفیران پیام دریا" که کارهای شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی را انجام می‌دهد، در فهرست شرکت‌های تحریم شده قرار گرفت. اتحادیه اروپا در ۲۳ می ۲۰۱۱ اعلام کرد که بانک ایران-اروپا را که در زمینه تجارت با ایران فعال است، در فهرست بانک‌های تحریمی قرار داده است. همچنین، حدود ۱۰۰ نهاد و فرد جدید را به اتهام ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران مشمول تحریم اعلام کرد. شرکت‌های کوچک و بزرگ صنعتی، مثل صدرا و گروه صنعتی ندا، نهادهای وابسته به سپاه پاسداران مانند بنیاد تعاون، بانک مهر و بانک انصار و مؤسسه‌های مالی و کشتی‌رانی، از جمله نهادهایی بودند که در فهرست تحریم قرار گرفتند (Council Implementing Regulation, No. 503: 23 May 2011).

وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در نشست خود در بروکسل، در ۱ دسامبر ۲۰۱۱، گسترش تحریم‌های این اتحادیه به ۱۴۱ شرکت و ۳۹ مقام ایرانی را تصویب کردند. بر اساس تحریم‌های اتحادیه اروپا دارایی و اموال این شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا مسدود می‌شود و صدور روایت برای ورود به خاک این کشورها برای آن‌ها ممنوع خواهد بود (Council Implementing Regulation: No. 1245: 1 December 2011).

اتحادیه اروپا همچنین تحریم‌های شدیدتری را علیه ایران اعمال کرد از جمله ممنوعیت ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های ایرانی که در زمینه نفت و گاز طبیعی فعال‌اند. بر این اساس، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باید از صدور بیمه یا تمدید آن برای دولت ایران خودداری کنند. همچنین خرید و فروش، کارگزاری یا همکاری در زمینه صدور اوراق قرضه دولتی و عمومی تضمین شده به وسیله دولت ایران، بانک مرکزی ایران یا هر بانک ایرانی دیگر ممنوع اعلام شد. همکاری با ایران برای واردات و صادرات اسلحه و تجهیزات که به غنی‌سازی اورانیوم مربوط هستند یا کاربردهای دوگانه‌ای دارند، نیز ممنوع شد. اتحادیه اروپا همچنین فروش و عرضه یا انتقال تجهیزات و تکنولوژی انرژی که دولت ایران می‌تواند از آن‌ها برای پالایش و میعان گاز طبیعی یا کشف و تولید آن استفاده کند را ممنوع اعلام کرد. بر اساس قوانین اتحادیه اروپا، انتقال پول بیشتر از ۴۰ هزار یورو نیازمند مجوز مقامات ارشد دولتی کشورهای عضو اتحادیه

است. مبالغ بالای ۱۰ هزار یورو که به مواد غذایی یا بهداشت مربوط نمی‌شوند، باید ثبت شوند. اعضای اتحادیه اروپا در روز ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اقدام به تصویب قانون تحریم صنعت نفت ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کردند. بر اساس این قانون اعضای این اتحادیه نه تنها از واردات نفت ایران، بلکه شرکت‌های این کشورها از ترابری، خرید و بیمه محموله‌های نفتی ایران به هر مقصدی در جهان منع شدند (EU Council Regulation, No. 56: 23 January 2012). همچنین علاوه بر شخص وزیر نیرو، وزارت نیرو و همچنین وزارت نفت ایران مشمول تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا شده‌اند.

این اتحادیه در نوامبر سال ۲۰۱۲، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی نفت ایران و شعبه‌های آن در سنگاپور و بریتانیا، به اضافه چندین شرکت تابعه دیگر آن نظیر کارون، پتروپارس، حفاری شمال و شرکت نفت و گاز مسجد سلیمان را در فهرست ممنوعیت‌ها وارد کرد. همچنین شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، شرکت ملی حفاری ایران، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت ملی نفتکش ایران هم مشمول این فهرست شدند. نام بانک صنعت و معدن، بانک توسعه و تعاون و همچنین تجارت سرمایه بلاروس، وابسته به بانک تجارت هم به فهرست مؤسساتی که هر گونه تجارت و داد و ستد شرکت‌های اروپایی با آنها ممنوع شده بود، اضافه شدند (EU Council Regulation No. 1067: 14 November 2012).

### ۳. مقایسه دوره‌های مختلف تحریم‌ها و ممنوعیت‌ها

بر اساس فرضیه این مقاله، باید تاریخ تحریم و ممنوعیت‌های اعمال شده علیه ایران را به دو بخش کلی تقسیم کنیم: ۱. از اوایل انقلاب تا ماه ژوئن سال ۲۰۰۵؛ ۲. از ژوئن سال ۲۰۰۵ تا دسامبر سال ۲۰۱۲. بر اساس این تقسیم‌بندی، هدف ما در این بخش این است که ویژگی‌های هر دوره زمانی را مشخص نموده و سپس آن‌ها را با هم مقایسه کنیم. در واقع، با این کار مشخص می‌شود که این دو دوره چه شباهت‌هایی با هم دارند و آیا تجربه ایران در دوره نخست منجر به کاهش آسیب‌پذیری این کشور در دوره دوم شده است یا خیر.

مقایسه دو دوره مختلف تحریم و ممنوعیت تجاری تفاوت‌هایی را بر اساس معیارهای زیر نشان می‌دهد: ۱. چندجانبه یا یک‌جانبه بودن: ممنوعیت‌های تجاری آمریکا در دوره نخست به‌طور کلی یک‌جانبه بودند. یعنی هیچ کشوری غیر از آمریکا تا سال ۲۰۰۶، ممنوعیت تجاری علیه ایران اعمال نکرد و این ممنوعیت‌ها همراه با تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران نبودند. این در حالی است که ممنوعیت‌های سال ۲۰۰۶ به بعد همراه با ممنوعیت‌های کشورهای اروپایی، کانادا، استرالیا و حتی برخی



کشورهای آسیایی بوده است؛ ۲. شیوه اعمال: ممنوعیت‌های تجاری آمریکا علیه ایران در دوره نخست توسط خود دولت آمریکا در مواردی رعایت نمی‌شد؛ نمونه بارز این عدم رعایت فروش تسلیحات توسط آمریکا به ایران بوده است؛ ۳. اعمال مجازات علیه نقض‌کنندگان: آمریکا تا سال ۲۰۰۶ بر مبنای ممنوعیت‌های تجاری خود هیچ شرکت یا دولتی را هدف مجازات اقتصادی قرار نداد. این در حالی که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ شرکت‌ها و اشخاص زیادی به اتهام رعایت نکردن ممنوعیت‌های تجاری علیه ایران هدف مجازات‌های اقتصادی واشنگتن قرار گرفته‌اند؛ ۴. تمرکز بر کنش‌گران اصلی اقتصاد ایران: ممنوعیت‌های تجاری آمریکا در دوره نخست به‌طور مستقیم هیچ‌یک از کنش‌گران غیردولتی اقتصاد ایران را هدف قرار ندادند. در حالی که ممنوعیت‌های سال ۲۰۰۶ به بعد بر کنش‌گران غیردولتی و اصلی اقتصاد ایران (بنیادها) تمرکز داشتند؛ ۵. تمرکز بر حوزه‌های آسیب‌پذیر اقتصاد ایران: ممنوعیت‌های دوره نخست بیشتر از آنچه بر صادرات نفت و گاز ایران، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی و واردات مواد پتروشیمی به ایران تمرکز داشته باشد، بیشتر بر تسلیحات نظامی و مبادلات تجاری دوجانبه ایران و آمریکا توجه داشتند.

با توجه به این تفاوت‌ها می‌توان نتیجه گرفت که ممنوعیت‌های تجاری آمریکا از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶، ممنوعیت‌های نمادین بودند. یعنی اهداف نمادین را دنبال می‌کردند و آمریکا با این ممنوعیت‌ها هدفش این بوده که موضع مخالف خود، به عنوان ابرقدرت را با سیاست‌های ایران در مقاطع مختلف نشان دهد. تنها استثنای این موضوع را می‌توان فرمان‌های ۱۲۲۰۵ و ۱۲۲۱۱ کارتر در آوریل ۱۹۸۰ دانست که تنها برای چند ماه (تا ژانویه ۱۹۸۰) علیه ایران با هدف تنبیه ایران به خاطر گروگان‌گیری اعمال شدند. نمادین بودن ممنوعیت‌ها علیه ایران را می‌توان از تغییر قانون تحریم ایران از طریق متمم‌ها و قوانین دیگر و تغییر در شیوه اعمال آن‌ها نیز دریافت. این تغییرات منجر به تبدیل شدن تدریجی این ممنوعیت‌ها به ممنوعیت‌های بازدارنده و تنبیهی علیه ایران شده است.

#### ۴. تغییر در قانون تحریم ایران

الف) تغییر در ممنوعیت‌ها: تغییرات مربوط به قانون تحریم ایران در سپتامبر سال ۲۰۰۶ با تصویب "قانون حمایت از آزادی ایران"<sup>۱</sup> آغاز شد. این قانون به عنوان متمم قانون تحریم ایران به تصویب رسید. طبق این متمم، اشخاص حقیقی و حقوقی

آمریکایی و غیر آمریکایی که به ایران تسلیحات کشتار جمعی یا تکنولوژی تسلیحات پیشرفته را بفروشند، هدف مجازات‌های اقتصادی آمریکا قرار می‌گیرند (House of Representatives, Act 6198: 2006).

گام دوم در تغییر قانون تحریم ایران، با تصویب قانون جامع تحریم ایران برداشته شد. طبق این قانون که متمم قانون تحریم ایران تلقی می‌شود، فروش بنزین بالغ بر یک میلیون دلار در یک قرارداد یا پنج میلیون دلار در طول یک سال و فروش تجهیزات و ارائه خدماتی که به ایران در ساخت بنزین یا واردات آن کمک کند برای هر شخص حقوقی و حقیقی ممنوع اعلام شد (House of Representatives, Bill 2194: 2010).

گام سوم، صدور فرمان ۱۳۵۹۰ در ۲۱ نوامبر سال ۲۰۱۱، به عنوان متممی برای قانون تحریم ایران بود. براساس این فرمان اشخاص حقیقی و حقوقی که خدمات یا کالاهای بالغ بر یک میلیون دلار در یک معامله یا پنج میلیون دلار در یک سال به ایران بفروشند که به این کشور در حفظ و توسعه بخش گاز و نفت کمک کند، مورد مجازات‌های اقتصادی آمریکا قرار می‌گیرند. اشخاصی که خدمات یا کالاهایی بالغ بر ۲۵۰ هزار دلار در یک معامله یا یک میلیون دلار در یک سال به ایران ارائه دهند که به این کشور در حفظ یا توسعه تولیدات پتروشیمی کمک کند، هدف مجازات قرار می‌گیرند (Executive Order 13590: 2011).

گام چهارم "قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه" بود که ممنوعیت‌های بی‌سابقه‌ای بر حمل‌ونقل انرژی برای ایران و یا نفت و گاز این کشور و حفظ و توسعه بخش انرژی ایران تعیین کرد (House of Representatives, Bill 1905:2012).

ب) تغییر در قوانین مربوط به اجرا: قانون تحریم ایران در نسخه اصلی خود هیچ الزام و محدوده زمانی را برای تحقیق در مورد این که آیا شرکتی ممنوعیت‌های اعلام شده را نقض کرده است یا نه، مطرح نکرده است (Katzman, 2012: 8). اما قانون حمایت از آزادی ایران که در سپتامبر ۲۰۰۶، امضا شد به دولت آمریکا ۱۸۰ روز زمان داد که مشخص کند آیا یک شخص حقوقی یا حقیقی ممنوعیت‌ها را نقض کرده است یا نه (House of Representatives, Act 6198: 2006).

این محدوده زمانی در متمم قانونی که کنگره به تصویب رساند در سال ۲۰۰۷ به ۹۰ روز کاهش یافت. همچنین در قانون تحریم جامع ایران، دولت آمریکا ملزم شد زمانی که "اطلاعات معتبری" در مورد نقض ممنوعیت‌ها توسط شخصی حقوقی یا حقیقی وجود دارد، تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کند (House of Representatives, Bill: 2194: 2010). دولت آمریکا موظف شد که هر ۱۸۰ روز

گزارشی جامع در مورد سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران، پروژه‌های مشترک این کشور و واردات و صادرات تولیدات پتروشیمی ارائه کند (House of Representatives, Bill 1905: 2012).

ج) تغییر در مجازات‌ها: قانون تحریم ایران در نسخه اصلی خود شش مجازات را برای نقض‌کننده‌های ممنوعیت‌های اعلام شده تعیین کرد که دولت آمریکا می‌تواند دو مورد از آنها را به عنوان مجازات به کار ببرد. اما قانون تحریم جامع ایران سه مجازات دیگر به فهرست مجازات‌ها اضافه کرد: ۱. ممنوعیت مبادلات مالی آمریکا با نهاد نقض‌کننده؛ ۲. ممنوعیت هر نوع پرداخت یا تامین اعتبار بین نهادهای مالی آمریکا و نهاد نقض‌کننده؛ ۳. ممنوعیت اکتساب، نگهداری، استفاده و تبادل دارایی‌هایی منقول یا غیرمنقول در آمریکا که نقض‌کننده سهمی در آن دارد (House of Representatives, Bill: 2194:2010). همچنین قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه سه مورد مجازات دیگر را به فهرست اصلی اضافه کرد: ۱. ممنوعیت آمریکایی‌ها از سرمایه‌گذاری یا خرید از یک شخص نقض‌کننده؛ ۲. محروم‌سازی شرکت‌های وابسته یا سهامداران شرکت متخلف از نظام مالی و تجاری آمریکا؛ ۳. اعمال مجازات‌ها علیه شرکت‌ها و دفاتر وابسته به شرکت تخلف‌کننده. همچنین بر مبنای این قانون، شخص تخلف‌کننده هدف پنج مجازات از ۱۲ مجازات تعیین شده قرار می‌گیرد. این رقم در نسخه اصلی قانون تحریم ایران، دو مجازات از ۶ مجازات تعیین شده بود (House of Representatives, Bill 1905: 2012).

د) تغییر در مقررات مربوط به معافیت‌ها: در نسخه اصلی قانون تحریم ایران به رئیس‌جمهوری این اختیار داده شده است که اگر معافیت یک شرکت متخلف را برای منافع ملی آمریکا "مهم" می‌داند، در این زمینه اقدام کند. اما از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ شرایط مربوط به این معافیت‌ها تغییر کرده است. قانون تحریم جامع ایران این معیار را تغییر داد و به رئیس‌جمهوری اختیار داد تنها در زمانی که این معافیت را برای منافع ملی "ضروری" می‌داند، در این زمینه اقدام کند. پس از آن کنگره آمریکا در متمم قانونی، این معیار را به زمانی که تنها برای "منافع امنیت ملی اساسی" تلقی می‌شود، تغییر داد (Katzman, 2012: 8-9). قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه این معیار را به زمانی که تنها برای "منافع امنیت ملی حیاتی" تلقی می‌شود، تغییر داد (House of Representatives, Bill 1905:2012).

## ۵. نتیجه‌گیری

فرضیه‌ای رایج که برای تبیین ناکارآمدی تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری سال‌های اخیر به کار می‌رود، غالباً این فرضیه است: تجربه ایران پس از انقلاب و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم و ممنوعیت‌های تجاری آمریکا علت اصلی ناکارآمدی تحریم و ممنوعیت‌های جدید علیه این کشور است. در این مقاله از طریق داده‌های گردآوری شده، این فرضیه تأیید نشد. داده‌هایی که این نتیجه را نشان می‌دهند، استدلال‌های زیر را تأیید می‌کنند:

۱. آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران نه تنها در سال‌های قبل از اعمال تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری سال ۲۰۰۶ به بعد، کاهش پیدا نکردند بلکه در اثر محدودیت‌ها و سوءمدیریت تشدید شدند. یعنی در این سال‌ها ایران هنوز به صادرات نفت و گاز، واردات مواد پتروشیمی به‌ویژه بنزین و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی وابسته بوده است.

۲. تاریخ تحریم و ممنوعیت تجاری علیه ایران نشان می‌دهد که تحریم‌ها و ممنوعیت‌های قبل از سال ۲۰۰۶ با تحریم‌ها و ممنوعیت‌های بعد از این سال، ماهیت و ویژگی‌های متفاوتی با هم دارند. تحریم‌ها و ممنوعیت‌های دوره نخست به خاطر ماهیت غالباً نمادین خود نمی‌توانستند منجر به فشار اقتصادی بنیادین علیه ایران شوند. پس می‌توان نتیجه گرفت که عاملی کلیدی برای واکنش ایران در قالب کاهش آسیب-پذیری‌های اقتصادی خود نبوده‌اند.

۳. بررسی روند تحول قانون تحریم ایران که به مثابه پلی بین دو دوره تحریم و ممنوعیت تجاری علیه این کشور است، به خوبی تأیید کننده استدلال دوم است. زیرا ممنوعیت‌ها، قوانین مربوط به مجازات‌ها، اجرا و معافیت‌های این قانون از طریق متمم‌های قانونی به گونه‌ای تغییر کردند که این قانون را از ماهیتی نمادین به قانونی با ماهیت بازدارنده، تنبیهی و "فلج‌کننده" تبدیل کرده است.

به‌رغم تفاوت ماهیتی تحریم‌های جدید و تداوم برخی آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ایران، مسئولین و مدیران این کشور در راه کاهش این آسیب‌پذیری‌ها گام برداشته‌اند. نمونه بارز این روند را می‌توان اجرا شدن طرح هدفمندکردن یارانه‌ها در ایران و افزایش قیمت سوخت برای کاهش آسیب‌پذیری در زمینه واردات مواد پتروشیمی تلقی کرد. زیرا این طرح مصرف بنزین در ایران را کاهش داد. از طرف دیگر ایران با بازسازی برخی پالایشگاه‌های قدیمی و افزایش ظرفیت آن‌ها و احداث پالایشگاه‌های جدید توانست نیاز

خود به واردات بنزین را تا اندازه زیادی کاهش دهد (Katzman, December 2012: 64). این‌گونه سیاست‌ها نشان از وجود نوعی اراده سیاسی در ایران است که با کاهش کارآمدی اقتصادی تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری، مانع کارآمدی سیاسی آن‌ها شود. کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی با روندی کم‌سابقه آغاز شده است و این احتمال وجود دارد که تحریم‌ها و ممنوعیت‌های جدید نتوانند به هدف نهایی خود (تغییر در برنامه هسته‌ای ایران و مواضع رهبران این کشور در این زمینه) برسند.

### منابع

1. Alikhani, Hossein (2000). *Sanctioning Iran: Anatomy of a Failed Policy*. London: I.B. Tauris Publishers.
2. Brexendorff, Alexander and Ule, Christian (2004). "Changes Bring New Attention to Iranian Buyback Contracts", *Oil & Gas Journal*: 24-32. Available at: <http://www.ogj.com/articles/print/volume-102/issue-41/general-interest/changes-bring-new-attention-to-iranian-buyback-contracts.html> (18 April 2012).
3. Cohen, Ariel, Phillips, James and Graham, Owen (2011). "Iran's Energy Sector: A Target Vulnerable to Sanctions." *Heritage Foundation Background*.
4. Ebel, Robert E. (2010) "Geopolitics of the Iranian Nuclear Energy Program: But Oil and Gas Still Matter," *Center for Strategic and International Studies*. Available at: <http://csis.org/publication/geopolitics-iranian-nuclear-energy-program> (August 9, 2012).
5. EU Council Implementing Regulation, No. 503 (23 May, 2011). "Implementing Regulation (EU) No 961/2010 on restrictive measures against Iran". Available at: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin\\_sanc\\_councilreg\\_eu503\\_240511.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin_sanc_councilreg_eu503_240511.pdf) (19 May, 2012).
6. EU Council Implementing Regulation No. 1245 (1 December 2011) "implementing Regulation (EU) No 961/2010 on restrictive measures against Iran". Available at: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin\\_sanc\\_councilreg\\_eu1245\\_011211.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin_sanc_councilreg_eu1245_011211.pdf) (19 May 2012).
7. EU Council Regulation, No. 56 (23 January 2012): "Amending Regulation (EU) No 961/2010 on restrictive measures against Iran". Available at: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin\\_sanc\\_councilreg\\_eu56\\_230112.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin_sanc_councilreg_eu56_230112.pdf) (19 May 2012).
8. EU Council Regulation, No. 1067 (14 November 2012). "Amending Regulation (EU) No 267/2012 concerning restrictive measures against Iran".

- Available At: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin\\_sanc\\_reg\\_eu\\_1067\\_141112.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin_sanc_reg_eu_1067_141112.pdf) (18 November 2012).
9. EU Council Regulation, No. 423 (19 April 2007). "Concerning restrictive measures against Iran". Available at: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/council\\_regulation\\_ec\\_423\\_190407.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/council_regulation_ec_423_190407.pdf) (19 May 2012).
10. EU Council Regulation, No. 1100 (17 November 2009). "Concerning restrictive measures against Iran and repealing Decision 2008/475/EC". Available at: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin\\_sanc\\_council\\_reg\\_ec\\_no1110\\_171109.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/fin_sanc_council_reg_ec_no1110_171109.pdf) (19 May 2012).
11. EU Council Decision (26 July 2010). "Concerning restrictive measures against Iran and repealing Common Position 2007/140/CFSP". Available at: [http://www.hm-treasury.gov.uk/d/council\\_decision\\_413\\_Repeal\\_140.pdf](http://www.hm-treasury.gov.uk/d/council_decision_413_Repeal_140.pdf) (19 May 2012).
12. Fayazmanesh, Sasan (2003). "The Politics of the US Economic Sanctions against Iran". *Review of Radical Political Economy*, Vol.35, No. 3: 221-241. Available at: <http://zimmer.csufresno.edu/~sasanf/MES101Documents/ThePoliticsOfUSEconSanctionsEconLit.pdf> (02 March 2012).
13. Hamilton, Lee H. and Daniel K. Inouye (1987). *Report of the Congressional Committees Investigating the Iran/Contra Affair*. Washington: DIANE Publishing.
14. Hamilton, Lee H. Schlesinger, James and Scowcroft, Brent (2001) "Thinking beyond the Stalemate in U.S.-Iranian Relations, Volume II – Issues and Analysis," The Atlantic Council of the United States, Available at: [http://www.acus.org/files/publication\\_pdfs/82/0107-Thinking\\_Beyond\\_Stalemate\\_U.S.-Iranian\\_Relations.pdf](http://www.acus.org/files/publication_pdfs/82/0107-Thinking_Beyond_Stalemate_U.S.-Iranian_Relations.pdf) (12 March 2012).
15. House of Representatives (2010). "Bill 2194: Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010". Available at: <http://www.govtrack.us/congress/bills/111/hr2194/text> (12 May 2012).
16. House of Representatives (2012). "Bill 1905: Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/BILLS-112hr1905enr/pdf/BILLS-112hr1905enr.pdf> (02 September 2012).
17. House of Representatives (2006). "Act 6198: The Iran Freedom Support Act". Available at: <http://www.iranwatch.org/government/US/Congress/Legislation/us-congress-iranfreedomact-093006.pdf> (23 April 2012).
18. Katzman, Kenneth (2001). "The Iran-Libya Sanctions Act" (ILSA). *Congressional Research Service*. Available at: [http://assets.opencrs.com/rpts/RS20871\\_20010720.pdf](http://assets.opencrs.com/rpts/RS20871_20010720.pdf) (03 May 2012).
19. Katzman, Kenneth (2006). "The Iran-Libya Sanctions Act (ILSA)". *Congressional Research Service*. Available at:

- <http://fpc.state.gov/documents/organization/66441.pdf> (03 May 2012).
20. Katzman, Kenneth (2011). "Iran: U.S. Concerns and Policy Responses". *Congressional Research Service*. Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL32048.pdf> (12 July, 2011).
21. Katzman, Kenneth (2012). "The Iran Sanctions Act (ISA)". *Congressional Research Service*. Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf> (21 December, 2102).
22. Kemp, G. (1994). *Forever enemies: American policy and the Islamic Republic of Iran*. Washington, DC: Carnegie Endowment.
23. McMurdo, Torey L. (2012). "The Economics of Overthrow: The United States, Britain, and the Hidden Justification of Operation TPAJAX". *Studies in Intelligence* Vol. 56, No. 2. Available at: <https://www.cia.gov/library/center-for-the-study-of-intelligence/csi-publications/csi-studies/studies/vol.-56-no.-2/pdfs/McMurdo-The%20Economics%20of%20Overthrow.pdf>
24. Oil & Gas Directory Middle East (2011), Islamic Republic of Iran. Available at: <http://www.oilandgasdirectory.com/research/Iran.pdf> (27 March 2012).
25. Purdum, T. S. (1 May 1995). "Clinton to order a trade embargo against Teheran". *New York Times*. Available at: <http://www.nytimes.com/1995/05/01/world/clinton-to-order-a-trade-embargo-against-teheran.html> (12 May 2012).
26. Schott, Jeffrey J. (2006). "Economic Sanctions, Oil, and Iran". *Peterson Institute for International Economics*. Available at: <http://www.petersoninstitute.org/publications/papers/paper.cfm?researchid=649> (02 March 2012).
27. The Federation of American Scientists (1987). "Iran/contra: The Underlying Facts". Available at: [http://www.fas.org/irp/offdocs/walsh/part\\_i.htm](http://www.fas.org/irp/offdocs/walsh/part_i.htm) (18 March 2010).
28. Treasury press release. (January 9, 2007). "Iran's Bank Sepah Designated by Treasury," Available at: <http://www.treas.gov/press/releases/hp219.htm> (17 June 2012).
29. Treasury press release (October 25, 2007), "Statement by Secretary Paulson on Iran Designations". Available at: <http://www.treas.gov/press/releases/hp645.htm> (11 June 2012).
30. Treasury press release (October 25, 2007), "Factsheet: Designation of Iranian Entities and Individuals for Proliferation Activities and Support for Terrorism,". <http://www.treas.gov/press/releases/hp644.htm> (13 June 2012).
32. Treasury press release (October 22, 2008). "Export Development Bank of Iran Designated as Proliferators". Available at: <http://www.ustreas.gov/press/releases/hp1231.htm> (10 May 2012).
32. Treasury press release (November 5, 2009). "Treasury Designates Bank Mellat Subsidiary and Chairman Under Proliferation Authority". Available at: <http://www.ustreas.gov/press/releases/tg355.htm> (10 May 2012).

33. Treasury press release (November 6, 2008). "Fact Sheet: Treasury Strengthens Preventative Measures against Iran". Available at: <http://www.treas.gov/press/releases/hp1258.htm> (10 May 2012).
34. Treasury press Release (February 10, 2010). "Treasury Targets Iran's Islamic Revolutionary Guard Corps". Available at: <http://www.ustreas.gov/press/releases/tg539.htm> (17 June 2012).
35. The US National Archives and Records Administration (1979). "Executive Order 12170: Blocking Iranian Government property". Available at: <http://www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12170.html> (01 June 2012).
36. The US National Archives and Records Administration (1980). "Executive Order 12205: Prohibiting certain transactions with Iran". Available at: <http://www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12205.html> (02 June 2012).
37. The US National Archives and Records Administration, "Executive Order 12211: Further prohibitions on transactions with Iran" (1980). Available at: <http://www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12211.html> (01 June 2012).
28. The US National Archives and Records Administration (1981). "Executive Order 12282: Revocation of prohibitions against transactions involving Iran". Available at: <http://www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12282.html> (03 June 2012).
39. The US National Archives and Records Administration (1987). "Executive Order 12613: Prohibiting imports from Iran". Available at: <http://www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12613.html> (2 June 2012).
40. The US National Archives and Records Administration (1995), "Executive Order 12957: Prohibiting Certain Transactions With Respect to the Development of Iranian Petroleum Resources". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-1995-03-17/pdf/95-6849.pdf> (06 March 2007).
41. The US National Archives and Records Administration (1997) "Executive Order 13059: Prohibiting Certain Transactions With Respect to Iran". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-1997-08-21/pdf/97-22482.pdf> (09 May 2012).
42. The US National Archives and Records Administration (2005). "Executive Order 13382: Blocking Property of Weapons of Mass Destruction Proliferators and Their Supporters". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2005-07-01/pdf/05-13214.pdf> (08 May 2012).
43. The US National Archives and Records Administration (2010). "Executive Order 13553: Blocking Property of Certain Persons With Respect to Serious Human Rights Abuses by the Government of Iran and Taking Certain Other Actions". Available at:



- <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2010-10-01/pdf/2010-24839.pdf> (12 May 2012).
44. The US National Archives and Records Administration (2011). "Executive Order 13590: Authorizing the Imposition of Certain Sanctions With Respect to the Provisions of Goods, Services, Technology, or Support for Iran's Energy and Petrochemical Sectors", Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2011-11-23/pdf/2011-30463.pdf> (14 May 2012).
45. The US National Archives and Records Administration (2011). "Executive Order 13574: Authorizing the Implementation of Certain Sanctions Set Forth in the Iran Sanctions Act of 1996, as Amended". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2011-05-25/pdf/2011-13173.pdf> (14 May 2012).
46. The US National Archives and Records Administration (2012). "Executive Order 13599: Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2012-02-08/pdf/2012-3097.pdf> (14 May 2012).
47. The US National Archives and Records Administration (2012). "Executive Order 13622: Authorizing Additional Sanctions With Respect to Iran". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2012-08-02/pdf/2012-19055.pdf> (28 June 2012).
48. The US National Archives and Records Administration. (2012) "Executive Order 13608 Prohibiting Certain Transactions With and Suspending Entry into the United States of Foreign Sanctions Evaders With Respect to Iran and Syria". Available at: <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2012-05-03/pdf/2012-10884.pdf> (15 May 2012).
49. U.S. Energy Information Administration (EIA) (December 2012). "Short-Term Energy Outlook (STEO)". Available at: <http://www.eia.gov/forecasts/steo/archives/Dec12.pdf> (19 December, 2012).
50. U.S. Government Accountability Office (GAO) (August, 2011). "Report 20548: Firms Reported in Open Sources as Having Commercial Activity in Iran's Oil, Gas, and Petrochemical Sectors". Available at: <http://www.gao.gov/new.items/d11855r.pdf> (14 April, 2012).
51. U.S. Government Accountability Office (GAO) (2012). "Actions to Enforce the Iran Sanctions Act and Implement Contractor Certification Requirement". GAO-12-316R Iran Sanctions. Washington DC. Available at: <http://www.gao.gov/assets/590/587874.pdf> (27 June 2012).
52. U.S. senate (2012). Act: S2334. Available at: [http://fcnl.org/issues/iran/chairjohnson\\_iransanctions.pdf](http://fcnl.org/issues/iran/chairjohnson_iransanctions.pdf) (03 December, 2012).
53. UN Security Council (1979). "Resolution 457". Available at: <http://www.worldlii.org/int/other/UNSCRsn/1979/14.pdf> (06 April 2012).
54. UN Security Council (1979). "Resolution 461". Available at:

- <http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Documents/461.pdf> (06 April 2012).
55. UN Security Council (2006). "Resolution 1696". Available at: [http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc\\_res1696-2006.pdf](http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc_res1696-2006.pdf) (12 July, 2011).
56. UN Security Council (2006). "Resolution 1696". Available at: [http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc\\_res1696-2006.pdf](http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc_res1696-2006.pdf) (16 May 2012).
57. UN Security Council (2006). "Resolution 1737". Available at: [http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc\\_res1737-2006.pdf](http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc_res1737-2006.pdf) (13 July, 2011).
58. UN Security Council (2007). "Resolution 1747". Available at: [http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc\\_res1747-2007.pdf](http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc_res1747-2007.pdf) (16 May 2012).
59. UN Security Council (2007). "Resolution 1803". Available at: [http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc\\_res1803-2008.pdf](http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaeairan/uncsc_res1803-2008.pdf) (16 May 2012).

